خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۹۵ . ۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۱۶

در کمتر ملاقاتی با مقام معظم رهبری، ایشان به موضوع فرهنگ اشاره و تاکید نداشته‌اند

دکتر لاریجانی در همایش ملی سبک زندگی با اشاره به تاکیدات مقام معظم رهبری در باره فرهنگ گفت: در کمتر ملاقاتی که با ایشان داشته‌ام به موضوع فرهنگ اشاره و تاکید نداشته‌اند لذا باید به توجه ایشان دقت شود. به گزارش خبرگزاری خانه ملت، رئیس مجلس شورای اسلامی این مطلب را در همایش ملی «سبک زندگی و سومین اجلاس ارتقاء توانمندی فرهنگ عمومی» گفت.

یادداشت روز

دکتر علیرضا رضاخواه
info@khorasannews.com

اوج گیری "جنبش ناراضی ها" در غرب

روز گذشته نخست‌وزیر ایتالیا پس از آن که طرح پیشنهادی او برای اصلاح ساختار قدرت در همه‌پرسی رأی نیاورد، از سمت خود کناره گیری کرد. او با انتشار بیانیه‌ای گفت که مسئولیت شکست در همه‌پرسی را می‌پذیرد و اکنون نوبت مخالفان است که با مشکلات دست و پنجه نرم کنند. ماتئو رنتسی، دومین نخست‌وزیری است که در سال جاری پس از شکست در یک همه‌پرسی ناگزیر به کناره گیری شده است. ابتدا نخست‌وزیر انگلیس، دیوید کامرون استعفا کرد و حال نوبت به نخست وزیر ایتالیا رسیده است. برخی تحلیل گران معتقدند همان اندازه که جاه طلبی های کامرون در شکل گیری برگزیت موثر بوده، رنتسی هم مسئول بحران امروز ایتالیا است. او از آن قماش بازیگران سیاسی است که از ریسک کردن ابایی ندارد. رنتسی پس از پیروزی قاطع خود در انتخابات سال ۲۰۱۴ از چنان اطمینان خاطری برخوردار بود که گمان کرد می‌تواند دست به کار بزرگی همچون اصلاحات دولتی بزند. چنان به خود و موقعیتش اطمینان داشت که همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی را بار ای اعتماد به خود و دولت همراه کرد. اما با دیدن نتایج نظرسنجی ها که از پیروزی مخالفان حکایت داشتند، رنتسی متوجه خطای خود شد و سعی کرد عقب‌نشینی کرده و مدعی شود که موضوع اصلاح بر سر او نبوده، بلکه بر سر ایتالیا است. اما مردم بار ای خود این عقب‌نشینی را نپذیرفتند. رنتسی و کامرون هر دو در برابر پدیده‌ای شکست خوردند که می‌توان آن را ائتلاف شهروندان ناراضی دانست. البته اروپایی ها در مواجهه با این پدیده تنها نیستند. پیروزی دونالد ترامپ نامزد جنجالی حزب جمهوری خواه در آمریکا، نمونه دیگری از این موج فراگیر نارضایتی در غرب است. ائتلافی از نیروهای ضد ساختاری از چپ و راست گرفته تا پوپولیست های افراطی این روزها موجودیت نظام های سیاسی در غرب را با تهدید مواجه کرده‌اند. حال زنگ خطر در دیگر نقاط اروپا نیز به صدا در آمده است، چرا که این بار نیز ناراضیان موفق به یک پیروزی مهم دیگر شدند. ماری لوپن در فرانسه و ماتئو سالیونی از حزب لیگ نورد ایتالیا (اتحاد شمال) در جناح راست، از شادی در پوست خود نمی گنجند. در سمت چپ نیز بیه گریلو و اپوزیسیون بنیادگرایش ظفرمندانه پیش می آیند. «استیون هاوکینگ» فیزیکدان معروف در روزنامه گاردین در این رابطه می نویسد: "ما در جهانی زندگی می کنیم که شکاف ها در آن در حال گسترش است نه کم شدن. مردم می بینند که کیفیت زندگی شان و همین طور توانایی شان برای رسیدن به این کیفیت رو به افول است. بنابراین جای تعجب نیست که آنها در جستجوی «پدیده» تازه‌ای هستند: چیزی که برگزیت یا ترامپ تلاش کردند به آنها عرضه کنند." او می گوید هر طور که به نتایج این دو رای گیری نگاه کنیم، شکی در این نیست که آنها «فریاد خشم» مردمی است که فکر می کنند رهبرانشان آنها را رها کرده‌اند.

اما چرا جنبش ناراضی ها در غرب روز به روز در حال تقویت شدن است. درباره چرایی این اتفاق دلایل زیر را می توان بیان کرد:

■ **بحران سرمایه داری**

جنبش های اعتراضی که این روزها در اروپا و آمریکا در حال شکل گیری اند، به شدت ضد سرمایه داری و مخالف جدی نهادها و نظام مالی و پولی اتحادیه اروپا هستند. پیامدهای ناشی از نئولیبرالیسم اقتصادی و جهانی سازی، برخلاف وعده های داده شده زندگی مردم به ویژه طبقه متوسط در غرب را با بحران مواجه ساخته است. تحمیل هزینه های بالای سیاسی-امنیتی برای ایجاد و پیگیری جهانی سازی، نقل و انتقال صنایع و کارخانه های اروپایی و آمریکایی به کشورهایی با نیروی کار ارزان، ایجاد اتحادیه های اقتصادی و محدودسازی قدرت دولت های محلی از طریق قوانین و نهادهای فراملی نظیر قوانین تجارت آزاد و یا مداخلات اتحادیه اروپا، همه و همه باعث شده تا علاوه بر افزایش شکاف طبقاتی، زندگی مردم عادی با مشکل مواجه شود. بی جهت نیست که در انتخابات اخیر آمریکا، ایالت های موجود در کمربند زنگ زده (کمربند زنگ زده اصطلاحا به منطقه‌ای در ایالات متحده گفته می شود که از شمالی ترین منطقه شمال شرق این کشور آغاز شده و به مناطق مرکزی آن و نزدیک به غرب می رسد. در واقع این کمربند از نیویورک آغاز می شود و به سمت غرب تا پنسیلوانیا، ویرجینیای غربی، اوهایو، ایندیانا و میشیگان ادامه پیدا می کند و در جنوب ویسکانسین به پایان می رسد.) که همیشه به دموکرات ها رای می دادند در چرخشی آشکار، نامزد ضد ساختار یعنی ترامپ را برگزیدند.

اولین جرقه های جذابیت این جنبش ها را می توان در اعتراض های خیابانی اروپا در سال ۲۰۱۱ مشاهده کرد که اندکی بعد از قیام توده‌های مردم در خاورمیانه آغاز شد و تا خیابان های آمریکا تحت لوای جنبش اشغال و نود و نه در صدی ها ادامه یافت. واقعیت این است بحران پولی و مالی اروپا که ناشی از سیاست های اقتصاد سرمایه داری تروئیکا (کمیسیون اروپایی، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول) بود، نوعی دلزدگی از سرمایه داری را در اروپا به وجود آورد. علاوه بر این افزایش ریاضت های اقتصادی و اتخاذ سیاست های پولی نامناسب از جمله در کشورهای یونان و اسپانیا باعث شد مردم کشورهای جنوب اروپا در مورد توانایی اتحادیه اروپا برای مقابله با بحران های مختلف دچار تردید شوند.

■ **بحران مشروعیت**

دلیل دوم را می توان در بحران مشروعیت در غرب جستجو کرد. در یک چشم‌انداز تاریخی، موضوع "بحران مشروعیت" و یا "کسری دموکراسی" نظام حکمرانی فراملی اروپایی یکی از عوامل اصلی دلزدگی مردم نسبت به ساختار حاکم نئولیبرال در اروپا بوده است. عدم برخورداری شهروندان اروپایی از پیوندهای هویتی تمام عیار با اتحادیه اروپا و نهادهای آن در ایجاد فاصله، شکاف و گسست میان شهروندان و نهادهای اروپایی موثر بوده است. برگزاری انتخابات مستقیم پارلمان اروپا از جمله تدابیری بود که اروپایی ها برای غلبه بر سرشت نخبه گرا، فن سالار و دیوان سالار این فرایند اتخاذ نمودند. با این حال عدم استقبال و مشارکت مردم در فرایندها و تصمیم گیری های اتحادیه باعث شده تا تصمیمات اتخاذ شده برای مردم عادی اروپا با نوعی عدم مشروعیت همراه باشد. همین اتفاق به شیوه دیگر در آمریکا نیز در حال رخ دادن است. وابستگی بیش از حد سیاست مداران به لابی های قدرت باعث شده تا مردم آن گونه که جیمی کارتر عنوان می کند از حکومت یک "الیگارشی محدود" بر ساختار سیاسی دلزده شوند.

■ **بحران اخلاقی**

مهمترین عامل در شکل گیری و تقویت جنبش ناراضی ها را می توان شکست اخلاقی لیبرالیسم دانست. لیبرالیسم در حوزه فرهنگی و اخلاق همواره تلاش می کرد تا با ارزش زدایی از فرهنگ های سنتی نوعی اخلاق جدید را برای جهانیان معرفی کند. برای سال ها ستایش تنوع و کثرت گرایی ارزشی و فرهنگی سکه رایج همه محافل علمی و سیاست گذاری بوده است. اما ارزش های اخلاقی که لیبرالیسم همیشه از آنها دفاع می کرد حالا با بحران مواجه شده است. به کارگیری استانداردهای دوگانه در مواجهه با تحولات بین المللی، فساد رو به گسترش سیاست و سیاست مداران غربی، نگاه مرکزپیرامون حتی در داخل تمدن غربی و فرسایش ارزش های اخلاقی مسیحی نوعی بیداری معنوی را در غرب رقم زده است. بیداری که این روزها به دلیل فقدان یک جایگزین مناسب در مسیرهایی چون، پوپولیسم، راست افراطی و ملی گرایی سوق داده می شود.

روایتی از دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم با رهبر انقلاب

لبخندها و بغض‌ها در دیداری پدرانه

افتخار امروز این است که نیروهای مقاومت در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی و بالاسر آن ها هستند

جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم اهل بیت علیهم‌السلام روز دوشنبه اول آذرماه سال جاری با حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. در ادامه بخشی از گزارش منتشر شده از این دیدار به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌ا... خامنه‌ای را می خوانیم. دیداری سرشار از اشک ها و لبخندهای بستگان، فرزندان و همسران و مادران شهدای مدافع حرم.

رهبر معظم انقلاب در این دیدار گفتند: «خیلی خوش آمدید برادران و خواهران خانواده عزیز شهید حرم؛ کسانی که داوطلبانه به این میدان می روند، دو سه خصوصیّت در اینها هست که ممتاز است. یکی این است که اینها غیرت و تعصب دفاع از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) را دارند» «دومین خصوصیت بصیرت است. کسانی که این بصیرت را دارند با خودشان می گویند: اینجا کجا، سوریه و حلب کجا؟ این بر اثر بی بصیرتی است. [حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام] فرمود که فَوَاللهِ مَا غُزِیَ قَوْمٌ قَطُّ فِی عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا. «نباید منتظر ماند که دشمن بیاید داخل خانه آدم، بعد آدم به فکر دفاع از او و خانه بیفتد. دشمن را باید در مرزهای خودش سرکوب کرد.

نکته سومی که در اینها وجود دارد، شوق شهادت است. بعد از پایان جنگ تحمیلی، مایی که در جریان کار بودیم، احساس می کردیم که یک جادّه دوبانده وسیعی جلوی رویمان بود که این بسته شد؛ جاده شهادت! مثل یک دری که ببندند. کسانی که آن موقع، جهاد و شهادت در راه خدا را دوست داشتند، دلشان را غم گرفت. این فرزندان شما غالباً کسانی هستند که آن دوره را درک نکردند؛ در اینها هم آن احساس شوق بود که بلند شدند و رفتند. الان هم [جوان ها] به من نامه می نویسند، البته من جواب نمی دهم به این نامه‌ها. مرتب جوان ها از اطراف کشور نامه [می نویسند]، التماس [می کنند]، خیال می کنند که من باید اجازه بدهم یا من باید دخالت بکنم؛ که آقا اجازه بدهید ما برویم سوریه برای جهاد. این شوقِ شهادت است و خیلی مهم است.

■ **شهدا، ستاره واقعی اند**

اگر در یک ملّتی، در یک قوم و جمعیتی، قدرت و قوت چشم‌پوشی از زندگی باشد، این قوم شکست‌بخور نیست. ما ها که گاهی اوقات در مقابل حوادث کم می آوریم، به خاطر این است که دودستی چسبیده‌ایم به زندگی و زیبایی های زندگی. زندگی یعنی چه؟ زندگی فقط نفس کشیدن خود ما نیست؛ زن و بچه و پدر و مادر ما هم زندگی است.

پول و عنوان و اعتبار ما هم؛ به این چیزها چسبیده‌ایم. وقتی به این چیزها چسبیدیم، در مقابل حوادث سخت، کم می آوریم؛ اما کسانی که این قوت را داده در آنها هست که از زندگی چشم بپوشند، اینها بلند می شوند می روند به میدان شهادت. بچه هایی که شما ها دادید، چه همسران، چه فرزندان، چه پدران و مادرانشان، بدانند که واقعاً مایه افتخارند. این فقط شعار نیست؛ واقعیت قضیه این است. [اینها] در هر ملتی که باشند - حالا ممکن است شناخته شده نباشند برای فلان شهر، برای فلان روستا. [ممکن است کسی] مشغول یک شغل معمولی است؛ ستاره نیست، مثل بعضی ها که در جوامع به خاطر هیاهو به توهم ستاره شدن هی دارند کار می کنند؛ اما این ها - ستاره واقعی اند؛ ستاره در چشم مانیستند؛ ما که چشممان نزدیک بین و کوته‌بین است؛ در ملاء اعلی اینها ستاره‌اند. خداوندان شاءا... در جات آنهایی را که رفته‌اند، عالی کند. به پدر و مادر و همسران و فرزندانشان صبر و سکینه بدهد و بنده همیشه دعایم این است که خداوندان شاءا... دل های شما مشمول لطف و فضل و نورانیت خودش کند و به دلهای شما آرامش بدهد.»

■ **برای مظلومیت من غصه نخورید، زورشان به ما نمی‌رسد**

در بخش دیگری از این حاشیه نگاری آمده است: نوبت می‌رسد به همسر شهید؛ آقا زروی برگه می‌خواند: «خانم منیره فخیمی، همسر گرامی شهید مجید مختار بند؛ حال شما خوبه؟» توفیقی بود حاج آقا که خدمتتون رسیدیم. «توفیق ما بود که خدمت شما رسیدیم.» شما بزرگوارید. ما به فکر مظلومیت شما هستیم. متأسفانه برخی خواص متوجه وظیفه‌شان نیستند و این شما را زجر می‌دهد. شماتحت فشار هستید. آقا با خنده جواب می‌دهد: «حالا خواص را خدا ان شاءا... هدایت کند امّا برای مظلومیت من اصلاً غصّه نخورید؛ بنده اصلاً مظلوم نیستم. فشار [هم] که همیشه تحت فشاریم امّا الحمدلله زورشان به ما نمی‌رسد» جمع می‌خندند.

■ **بچه دار بشوید و در ستان را بخوانید!**

در همین شلوغی ها، عروس شهید مختار بند از جایش بلند می‌شود و از آقا می‌پرسد: من چه کار بکنم؟ وظیفه من چیست؟ دارم درس می‌خوانم و هنوز بچه ندارم. تا سؤال عروس شهید تمام شد، آقا با لحنی بسیار جدی و سریع جواب دادند: «اوّلاً بچه دار بشوید؛ این یک. اینهایی که اول زندگی هی عقب می‌اندازند و می‌گویند حالا زود است، این ناشکری است. این ناشکری باعث می‌شود که خداوند یک جواب سختی به آدم بدهد». عروس که هنوز ایستاده، می‌گوید: آخه من دارم درسم را پیش می‌برم! «باشه، مشکلی نیست. من کسی را سراغ دارم که با چهار بچه درس می‌خواند و همه دوره‌های کارشناسی و ارشد و دکترا را گذرانده. ثانیاً در ستان را بخوانید. ثالثاً زندگیتان را هر چقدر می‌توانید شیرین کنید. خدا ان شاءا... شما را حفظتان کند. دیگر شما جوانها بهتر از دوره جوانی ما می فهمید. انقلاب خیلی به [امثال شماها] احتیاج دارد.»

■ **اگر آدم درست وارد فضای مجازی بشود، خوب است**

موقع تحویل قرآن ها و یادگاری ها به این خانواده شهید فرا می‌رسد. روحا... نزدیک آقا که می‌آید، انگشتر دست آقا را طلب می کند و محمدعلی نیز به آقا می گوید: ما در این مدت بیکاری مان به دستور شما در فضای مجازی کارهای فرهنگی انجام می‌دهیم؛ دعا کنید نتیجه خوبی داشته باشد. «خوب است؛ فضای مجازی! منتها در آنجا غرق نشوید. در فضای مجازی اگر آدم درست وارد بشود، خوب است؛ امّا اگر برود غرق بشود، نه؛ خوب نیست. جای خطرناکی است؛ خیلی باید آدم مراقب باشد.»

■ **اگر سن شما بودم از امام می خواستم برام دعا کنه مثل ایشان حرکت کنم**

پسر کوچک‌تر شهید اطهر هم جلو می‌آید؛ می گویند مداح است و کلاس ششمی؛ از آقا می‌پرسد: اگر امام خمینی (ره) بود، شما ازش چی می خواستین؟ آقا دست پسر را می گیرد و به دیوار روبه‌رویش نگاه می کند؛ همگی گوش هایشان را تیز می کنند که آقا چه جوابی می خواهد بدهد. آقا بعد از کمی تأمّل می گوید: «فرق می کنه؛ اگر در سنّ شما بودم یه چیز می خواستم؛ اگر حالا بودم یه چیز دیگه می خواستم». حالا فکر کنین تو سنّ من بودین! «بهترین چیز دعاست؛ ازش می خواستم که برام دعا کنه که بتونم مثل امام خمینی (ره) حرکت کنم. این بهترین چیزه.»

■ **اشک ها و لبخندها**

بخشی از این گزارش مشروح نیز به گفت و گوهای صمیمانه و متفاوت اعضای خانواده شهدا با رهبر انقلاب اختصاص دارد. در دقایقی که پسران به دیده بوسی می‌آیند، سایر بستگان شهید هم هر کدام از یک گوشه مجلس، تقاضای انگشتر یا چفیه‌ای دارند که آقا با تلطّف، به نوبت و به کمک یکی از مسئولان به ایشان تحویل می‌دهند... وقتی آقا به کودکان انگشتر می‌دهد، همیشه به مسئولان جلسه تأکید می کند که دقت کنند انگشتر، اندازه دست بچه‌ها باشد؛ این بار هم با همان دقت پیگیر بودند.

●●●

خانواده‌ی شهیدان مجید و محمود مختار بند، اولین خانواده‌ای هستند که به آقا معرفی می‌شوند. مجید در جنگ تحمیلی شهید شده و محمود در سوریه... مادر شروع به صحبت می کند؛ با لهجه شوشتری می گوید که یک شهید در جنگ داده و یک شهید در جنگ اخیر و یک اسیر که هشت سال در اسارت عراق بوده. آقا در حق مادر دعا می کند که:

- «خداوند متعال شمار ا از اعوان و انصار نزدیک امام زمان (عجّل ا... تعالی فرجه الشّریف) قرار بدهد، به حقّ محمّد و آل محمّد».

مادر ادامه می‌دهد:

- دو تا فرزند دیگر هم دارم که به فدایت حاج آقا!

- «نه؛ آنها را ان شاءا... خدا برایتان نگه دارد».

آقا دوباره خطاب به محافظین می گوید: «کار نداشته باش به بچه؛ بذار راحت باشه!» جمله‌ای که هر چند دقیقه یک بار خطاب به محافظین و بستگان کودکان گفته می‌شود!

فضای جلسه صمیمی‌تر شده و خواهر شهیدان (مختار بند) نیز از جای خود بلند می‌شود و می گوید:

- من دو دختر دارم که دوقلو هستند و خیلی دوست داشتند که شما را ببینند. امسال کنکور دارند و گفتند به آقا بگید برامون دعا کنن.

- «خدا ان شاءا... به هر دویشان شوهر خوب برساند و ان شاءا... با همدیگر عروس بشوند؛ این بهترین دعاست!» و جمع دوباره می‌خندند.

●●●

- در خلال صحبت های آقا و خانواده شهید محرم علی مراد خانی یک دفعه سه پسر سه - چهار ساله جلوی آقا می ایستند و یکی شان با صدای بلند می گوید:

- اسم من علی‌ـه!

همه صحبت های رهبر و مادر قطع می‌شود و آقا با خنده علی را می‌بوسد. حالا دو کودک دیگر هم خودر امعرفی می کنند. محافظی بلند می‌شود و بچه‌ها را از زمین بلند می کند تا آقا آنها را ببوسد. دیگر بچه‌های حاضر در اتاق هم که این صحنه را می بینند، از گوشه گوشه مجلس جلو می‌آیند و آقا را همین جور نگاه می کنند تا نوبتشان شود! دیگر همه مجلس در اختیار این کودکان است که یا فرزند شهدا هستند و یا نوه شهدا و یا خواهرزاده و برادرزاده‌ی شهدا.

●●●

حالا نوبت همسر شهید، خانم مریم امجدیان است که کنار مادر شوهرش نشسته است. می‌توان به راحتی آثار گریه و عزاداری را در همسر شهید مشاهده کرد؛ انگار که نشد که شهید بشم.

- «خب شما حالا هم که شهید زنده‌اید؛ اشکال نداره.»

- با اینکه یک جانباز ۷۰ درصد نباید کار کنه اما به صورت افتخاری دارم تو بیمارستان خدمت رسانی می کنم. اشکال نداره بیام جلو چفیه بگیرم و روبوسی کنم؟

- «بله، حتماً، بفرمایید!»

و عموی شهید با کمک یکی از محافظان از جا بلند می‌شود، از میان جمعیت به سختی عبور می کند و نزدیک که می‌شود، آقا با خنده می گوید: «دستت هم که شبیه دست منه»!

همین جمله کافی است که عموی جانباز، روی دست آقا بیفتد و به شدت گریه کند. حالا از گوشه و کنار اتاق، صدای گریه‌ها آرام آرام بلند می‌شود؛ گویی که جمع فرصتی یافته تا با گریه، به همه‌ی دلتنگی ها، عشق ها، جدایی ها و وصال ها و اکنش نشان دهد.

هر کدام از بستگان شهید امجدیان از آقا، دعایی، چفیه‌ای، یادگاری ای می خواهند. دو دختر خردسال چادری هم می‌آیند جلوی آقا:

- اسم من نیایشه! خواهرزاده‌ی شهید امجدیان

- اسم من هم نرگسه!

- «چه اسم های قشنگی! نرگس خانم، کلاس چندمی؟»

- سوم

رهبر، نیایش را که کوچک‌تر است می‌بوسد. مادر نرگس می‌گوید که دخترم امسال جشن تکلیف دارد. آقا هم به او یک انگشتر می‌دهد. آقا به دختر ها می گوید:

- ببینید انگشترها اگر اندازه‌ی دستتان نیست، همین الان کوچکترش را بدهم.» اندازه بود. دخترها با شادمانی برمی‌گردند سمت مادرهایشان.

●●●

شهید اطهر در سن ۳۷ سالگی به شهادت رسیده؛ مادر شهید عنوان می کند:

- حمیدرضا خیلی دوست داشت از نزدیک شما و زیارت کنه ولی نتونست.

- «خدا ان شاءا... نصیب ما کنه که از نزدیک شهید شما رو در قیامت زیارت کنیم».

پس از احوالپرسی با همسر شهید اطهر، نوبت به ادای قرآن ها و یادگاری ها می‌رسد؛ فاطمه، دختر نوجوان شهید جلو می‌آید و به آقا می گوید:

- میشه یه انگشتر از توی جیبتون بدین؟!

- «از کجا فهمیدین که توی جیبم انگشتر هست؟»

- دیدم از دور که داشتین می دادین به بقیه!

- «این انگشتر هم خدمت شما! دیگه هم تو جیبم انگشتر نیست، تموم شد»! آقا و دختر و جمعیت با هم می‌خندند.

●●●

آقا اسم فرزندان شهید را می‌آورند؛ پسر جوانی جلو می‌آید و می گوید حاج آقا ببخشید من تازه از کربلا آمده‌ام، سرما خوردم و برای همین با شما روبوسی نمی کنم. آقا می‌پرسد:

- «شما چه کار میکنید؟»

- والّا چندبار می خواستیم بریم اون ور دیگه.

- «کجا میخواستی بِری؟»

- بالاخره ما رو اصلا درست کردن برای اینکه بریم این تکفیری ها رو بزنیم؛ ولی حاج آقا ما رو برگردوندن.

- «کی شما رو برگردونده؟»

- ایشون ما رو برگردوندن.

- «ایشون از بستگان هستن؟»

- نه، ایشون مسئول اعزام هستن.

مسئول اعزام که در انتهای مجلس نشسته می گوید که ایشان فرزند شهید هستند و حاج قاسم سلیمانی دستور داده‌اند که فرزندان شهدا اعزام نشوند.

آقا این را که می‌شنود، می گوید: «خیلی خب؛ نروید... نروید... شما اینجا باشید برای نظام کار کنین».

●●●

خواهر شهید مهدی علی‌دوست آلانَقی، طلبه‌ی جامعة‌الزهرای قم بود؛ به آقا گفت:

- بستگان و خواهران مدافعین حرم پاکستانی از دوستان من هستند و گفتند که به شما سلام برسونم.

- «در قم هستند؟ سلام من را به ایشان برسانید. آنها هم خیلی خوب کار میکنند. زینبیّون خیلی خوب میجنگند؛ خیلی خوب مجاهدت میکنند. سلام من را به پدرها و مادرها و خانواده‌هایشان برسانید.»

حرف مردم

ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف‌های شماست.

تلفن: ۰۵۱ ۳۷۰۰۹۱۱۱ پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹ تلگرام: ۰۹۰۳۳۳۳۷۰۱۰ نمابر: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۲۹

- الان چند روز است که آلودگی هوا در حد هشدار است. چرا هیچ اقدام عملی از طرف مسئولان انجام نمی گیرد. حداقل با سازمان های زیر مجموعه مثل اتوبوسرانی و راه آهن و فرودگاه و ادارات دولتی که می توانند مکاتبه کنند و دستورات لازم را بدهند. ما که چیزی عینی مبنی بر رعایت این موضوع نمی بینیم.
- در شرکتی کار می کنم که اکثر مدیران و مشاورانش بازنشسته های برق هستند که از محل بازنشستگی سقف می گیرند و این جا هم حقوق های پنج و شش میلیونی. در حالی که به ما حقوق قانون کار را به زور می دهند. آیا این درست است؟ یک عده بیکار باشند و یا کف حقوق بگیرند و یک عده هم دو جا، سه جا حقوق بگیرند؟ نمی دانم چرا جیبشان پر نمی شود.
- بیمه نامه ماشین را نگاه می کردم. برای گرفتن پول زیاد در دیف هایی را نوشته بود اما چیزی که خیلی جالب و خنده دار بود مالیات سلامت بود. انگار که برای سلامت هم باید مالیات پرداخت کنیم.
- در شبکه نسیم، نمایش و آموزش، آشپزی را تند و سریع و شبیه هم یاد می دهند و با تبلیغ تابه و قابلمه و لوس بازی بازیگران حال ما را می گیرند ولی آقای گلریز در بهونه به تنهایی آموزش می دهد ولی وقتش کم است.
- برای مردانی که اقدام به کتک زدن زن هایشان می کنند واژه بی غیرت برازنده‌تر است!
- برخی از پیام ها صرفا جواب دادن به حرف دل سایرین است. آیا ایشان نمی دانند که همه حق دارند حرف دل خود را بزنند، من و شما چه کاره هستیم که جواب پیام و درد دل دیگران را بدهیم؟ آن هم با لحن نامناسب، این قدر سطح تحمل و احترام به نظر دیگران پایین است؟
- من هم کارگرم ولی حاضرم پس انداز خودم را به مستأجری که برای سه میلیون پول صاحبخانه، اشک دخترش درآمده، کمک کنم. لطفا شماره حساب بدهید.
- دوست عزیز طبق ماده ۲۵ قانون مجازات، جزای نقدی با هر میزان مجازات تبعی ندارد و سوءسابقه محسوب نمی شود. اقدام اما کن خلاف قانون است مگر این که اما کن برای خودش ضوابط و مقررات خاصی داشته باشد.
- ملت هر چه می کشند از دست برخی مدیران نالایق اداره ها و نهادهاست. تو را به خدا یک راه حلی برای حذف مدیران نالایق پیدا کنید.
- آقایان دست اندر کار کشور نگاهی بیندازید به تازه‌ترین درگذشته دنیای سیاست؛ فیدل کاسترو. سال ها مبارزه کرد حال بد کرد یا خوب، ولی بالاخره رفت و انگار نبوده، دنیا ابدی نیست برای جسممان، ولی قضاوت آیندگان از کارهایمان ابدی است. پس هر چند این حرف ها تکراری است کاری کنیم به نیکی از ما یاد کنند.
- باتشکر از مستند جالبی که توسط شبکه مستند درباره شادروان علی حاتمی پخش شد و با سپاس از روزنامه خراسان به خاطر اطلاع رسانی بهنگام.
- عدالت نیست که می خواهند حقوق بازنشستگان با حقوق بالاترها کمتر افزایش دهند، در زمان کار این افراد، مبلغ خیلی بیشتری برای بازنشستگی از حقوقشان نسبت به افراد با حقوق کمتر کسر شده است.
- متهم سه زنه یعنی چه! چه ربطی بین سه زنه بودن و ارتکاب جرم است؟ کسی که گزارش را تهیه کرده حتما زن بوده! یازن ذلیل!
- به مسئولان بگویید بر فروشگاه های فرودگاه مشهد نظارت کنند. دیروز برای دختر سه ساله‌ام یک کیک هزار تومانی خریدم، فروشنده دو هزار تومان گرفت، اعتراض کردم گفت داخل فرودگاه همه چیز دو برابر قیمت درج شده روی کالاست!!
- در حادثه قطار سمنان، از اول مشخص بود دیواری کوتاه‌تر از ایراتور پیدا نمی کنند.
- اگر مدیران راه آهن در چندین سال مدیریت خود به موقع احساس مسئولیت می کردند و از یک تیم متخصص در امر سیستم کنترلی قطار ایرانی یا خارجی استفاده می کردند، ما امروز شاهد چنین فاجعه ای نبودیم. دانشمندان از روی زمین با ماهواره مریخ پیما را کنترل می کنند، چطور می شود ما در طول حدود ۹۰۰ کیلومتر فاصله مشهد-تهران، شش قطار را روی ریل نمی توانیم کنترل کنیم؟
- آقای مطهری شما یک دفعه هم شده، از حقوق اندک بازنشستگان صحبت کنید.
- لطفا به مسئولان شرکت ایرانسل و همراه اول اطلاع رسانی کنید سرعت اینترنت در شهرک مهرگان خجالت آور است. فکری بکنید.
- مطلبی که آقای احدیان مطرح فرمودند درست است ولی نکته آن این است که اگر آزمایش ها را سخت بگیرند آمار ازدواج و به تبع آن، آمار زادوولد پایین می آید.
- مسئولان محترم بازنشسته که بعد از بازنشستگی دوباره دعوت به کار شده اند در قسمت های دولتی یا خصوصی. فکری برای بازنشستگی جوانان بیکار بکنید.
- از وزیر محترم رفاه می خواهیم طبق وعده های قبلی در برقراری مستمری بازنشستگان پیش از موعد، دارای سنوات ارفاقی، براساس دو سال آخر بیمه پردازی و طبق تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون ... هر چه سریع تر مساعدت های لازم را امبذول فرمایند.
- کارمند رسمی یک دستگاه خدمات رسان می گفت که در هفت، هشت ساعت موظفی کلا بیکاریم. رئیس هم ماهی ۱۲۰ ساعت اضافه کار برایم رد می کند. امثال این آقا در کشور زیادند. سر کار بروند یا نروند به حال جامعه فرقی ندارد. دولت هم کاری نمی تواند بکند.
- دولت تدبیر و امید دولت اشرافیت تازه به دوران رسیده هاست به ترکیب کابینه نگاه کنید پس عجیب نیست اگر به حقوق های نجومی رسیدگی نشود.
- حقوق یک و نیم میلیون تومان یک بازنشسته، آیا متعارف است یا نامتعارف؟
- جناب رئیس جمهور فرمودند در عرض سه سال، تورم را از ۴۰ درصد به تک رقمی رساندیم... پس چه شد؟! چرا ما چیزی حس نمی کنیم؟ نکند برای خودشان صدق می کند فقط!!
- آقای مطهری فرمودند اگر ببینم ظلمی شده و نگویم، خفه می شوم آیا گرانی آب، برق، گاز، تلفن، ارزاق عمومی و رانت خواری بیمه ایران که اموال بیمه توسعه را به بهانه جوابگویی زیان دیدگان تصاحب کرده و زندگی مردم را گرفته‌اند، ظلم نیست؟
- آقای رئیس جمهور شما گفتید تورم پایین آمده. شما در عرشید و ما در فرش. هر چه شما بگویید همان است چه کنیم که باید بگوییم بله حرف حرف شماست.
- ماشین بالامپ زنون زیاد شده، فکر کنم پلیس حوصله و توان برخورد با آن ها را ندارد.
- بیست سال پیش رفتیم تهران در ترافیک پدرم قلبش گرفت. ۱۵ سال پیش خودمان رفتیم بازار تهران همان اول بازار از شلوغی برگشتیم و تا امسال دیگر آنجا نرفتیم! حالا مشهد خودمان هم شلوغ شده!
- قیاس مصرف در گزارش صفحه زندگی سلام از پایه بی اساس است زیرا ما خودمان منابع نفت و گاز داریم که اروپا ندارد. بهتر بود سطح درآمد، رفاه و دیگر عوامل مورد قیاس قرار می گرفت.
- آیا مسئولان برای مقابله با تمدید تحریم های آمریکا که نقض برجام است طرح اقتصادی دارند که فشار بیشتر به مردم وارد نشود؟
- کاش اسامی نمایندگان محترمی که در تقابل با نقض برجام آمریکا جدی نیستند، برای مردم منتشر می شد.
- برجام یعنی: ب: برادر. ر: روحانی. ج: جوجه را. ا: آخر پاییز. م: می شمارند. الان هم آخر پاییز است. والسلام.
- تحریم ها فقط روی قشر ضعیف جامعه اثر دارد برای آقازاده ها سود دارد. خدایا خیر نبینند.
- من مأمور سرشماری بودم، دو هفته از پایان طرح گذشته خبری از حقوق نیست. می گویند اگر پرداختی هم باشد به صورت علی الحساب و خرد خرد است!! ما هم بیکاریم و به شدت به این پول نیاز داریم. این طور که منصفانه نیست.
- آقای رئیس جمهور! از ابتدای شروع به کار دولت جنابعالی خودو مردم را درگیر برجام کردید، بعد از مدت ها توافق حاصل شد، بعد تا اجرایی شدن و تأثیر آن هم مدت ها صبر کردیم که اتفاق مشهودی بیفتد. در حال حاضر هیچ کار مفیدی غیر از این کار (که البته همین هم هیچ خاصیتی نداشت) انجام ندادید، فقط وعده و وعید. امیدوارم درس گرفته باشید که این کاره نیستید و دیگر کاندیدا نشوید.

خبرهای ارزی، یارانه‌ای و بودجه‌ای نوبخت

دلار باید در حدود ۳۳۰۰ تومان تک نرخی شود

بردبار- رییس سازمان برنامه و بودجه با بیان این که ارقام مرتبط با یارانه ها در سال آینده مانند سال جاری خواهد بود، گفت: دولت بر همین اساس برنامه ای برای افزایش قیمت حامل های انرژی در سال آینده ندارد. وی همچنین تعیین نرخ ۳۳۰۰ تومان برای ارز در بودجه را به معنی سیاست تک نرخی کردن ارز در همین قیمت عنوان کرد. به گزارش خراسان، محمدباقر نوبخت، در نشست خبری دیروز خود که به منظور تشریح لایحه بودجه ۹۶ تشکیل شده بود، در پاسخ به این که شنیده شده یکی از وزرا بیش از ۱۰ میلیون تومان و حدود ۱۴ تا ۱۶ میلیون تومان حقوق دریافت می کند، تصریح کرد: اگر چنین چیزی صحت داشته باشد دیوان محاسبات رسیدگی می کند. ۹۳ هزار و ۴۷۰ نفر در مورد حقوق های نامتعارف بررسی شده اند که ۹۳ هزار نفر با توجه به حداکثر رقم ۲۰ میلیون تومان تخلفی نداشتند و فقط ۳۷۰ نفر بالای ۲۰ میلیون تومان حقوق گرفتند. نوبخت در پاسخ به اینکه استدلال برخی مدیران دولتی این است که اگر در بخش خصوصی مشغول فعالیت شوند، بیش از این رقم حقوق دریافت خواهند کرد، گفت: جواب دولت این است که از آنها تشکر می کنیم و اجر شما با خدا. بروید در بخش خصوصی کار کنید. وضعیت ما همین است و همین فاصله‌ها باید باش